

تحلیلی بر مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار قیصر امین‌پور

شکوفه دارابی^۱

چکیده:

ادبیات هر ملتی از مؤلفه‌هایی شکل می‌گیرد که در واقع بهترین گزینه و شاخص برای آشنایی با نگرش و جهان‌بینی آن ملت است. وقتی سخن از بازگویی بنیان‌های فکری یک ملت در پهنه ادبیات به میان می‌آید، ادب پایداری سهم بزرگی در وانمایی رویکردها و موضع‌گیری آن ملت، در حفظ و اعتلای هویت خویش در برابر هرگونه تهاجم و تهدید داشته و شاعر پایداری از طریق این آبخور، با بیان رشادتها و استقامت آن مردم، دغدغه‌ها و باورداشتهای آن ملت را انتقال می‌دهد. از مهم‌ترین بن‌مایه‌های ادب پایداری، شهادت‌طلبی، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر دشمن متجاوز، صلح‌طلبی و ... است. قیصر امین‌پور که در بحبوحه جنگ تحمیلی، با گسترش آثار خود در افق ادب پایداری، بهترین اشعار پایداری را، به ادبیات فارسی افزود، مضامینی را مطرح ساخت که منبعی بسزا برای آگاهی از نمادها و نموده‌های این سبک فخیم به شمار می‌آیند. نگارنده در این جستار در پی پاسخ به این سوال بوده که رویکرد قیصر امین‌پور به ادبیات پایداری چگونه بوده و کدام مؤلفه‌ها و مضامین ادب پایداری در اشعار وی انعکاس داشته است. یکی از این جلوه‌ها، پایداری در برابر دشمن بعثی است که شاعر به مقاومت در برابر آن، بسیار تأکید دارد. وی با ترسیم دلاوری‌های رزمندگان اسلام و تهییج روحیه شهادت‌طلبی در آنان، حماسه‌ای معنوی را رقم می‌زند که حاوی عمیق‌ترین بینش‌ها و آمل انقلابی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

ادبیات پایداری، قیصر امین‌پور، مؤلفه‌های ادب پایداری، ایستادگی در برابر دشمن، شهادت

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا (س) تبریز

مقدمه

از میان شاخص‌های فرهنگی هر ملّتی، ادبیّات همواره مناسب‌ترین فرم برای وانمایی باورهای یک ملّت بوده و سهم بسزایی در پی‌ریزی شالوده‌های فکری آنان داشته است. ادبیّات در حکم چکیده بینش و آمال بشری بوده و بخش وسیعی از میراث بزرگ فرهنگی را به خود اختصاص داده است. شاعران و نویسندگان بزرگ هر سرزمینی در آثار خود، دغدغه‌هایی جهانشمول را مطرح کرده‌اند که به مثابه روحی در کالبد فرم ادبی است. آنان به ترسیمی زنده از اوضاع زمانه خود پرداخته و آثارشان همواره از ظرفیتی قابل توجه برای تفسیر مسائل وطنی و حتی فراوطنی برخوردار بوده است. یکی از این شاعران متعهد قیصر امین‌پور است.

قیصر امین‌پور در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در گتوند از توابع دزفول متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل به دزفول رفت. در سال ۱۳۵۷ دیپلم تجربی گرفت و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران آغاز کرد. وی در سال ۱۳۵۸ با انصراف از رشته دامپزشکی، به جمع دانشجویان علوم اجتماعی پیوست. در سال ۱۳۶۳ مجدداً تغییر رشته داد و تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه تهران دنبال کرد و در بهمن ماه سال ۱۳۷۶ با دریافت مدرک دکترای زبان و ادبیّات فارسی، از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و به تدریس زبان و ادبیّات فارسی در دانشگاه پرداخت و در عین حال عضو شورای شعر و ادبیّات حوزه نیز بود. پس از مدتی به شورای سردبیری مجله سروش نوجوان پیوست. وی در آخرین روزهای سال ۱۳۷۷ در جاده شمال تصادف کرد و به شدت مجروح شد. شدت جراحات وارده به حدی بود که وی به دفعات تحت عمل‌های مختلف جراحی قرار گرفت و سرانجام در آبان ماه ۱۳۸۶ درگذشت. از امین‌پور آثاری به جا مانده که عبارتند از:

«تنفس صبح/ در کوچه آفتاب/ مثل چشمه، مثل رود/ ظهر روز دهم/
آینه‌های ناگهان/ گل‌ها همه آفتابگردانند/ بی‌بال پریدن/ طوفان در پرانتز/ به
قول پرستو/ دستور زبان عشق/ سنت و نوآوری در شعر معاصر»

قیصر امین‌پور که یکی از شعرای پیشتاز انقلاب است، با خلق اشعاری کم‌نظیر جایگاه خاصی را در ادب پایداری به خود اختصاص داده است. او با اشعار خود روح دشمن‌ستیزی را در کالبد رزمندگان می‌دمید و مقاومت و پایمردی آنان را در برابر ظلم و تجاوز ستایش می‌کرد. از این رو برخی وی را «ملک‌الشعراى انقلاب و جنگ» نامیدند و در توصیف او گفتند: «قیصر میان «جنگ» و «زیبایی»، که متنافر و متضاد به نظر می‌رسند، پیوندی استوار ساخته است. کسی از

«زیبایی» با این زبان بلند و عریان سخن می‌گوید که هنوز بوی باروت‌های جنگ به مشامش می‌رسد... قیصر از کسانی است که اهل خرد او را بزرگ باید بدانند» (محقق، ۱۳۷۸: ۵۶). بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در آثار قیصر امین‌پور مسئله اصلی این پژوهش است. از آنجایی که او با استفاده از شگردهای ادبی مناسب، برای بازگویی این مضامین، مجاللی وسیع یافته است و شعر او به عنوان گستره‌ای برای طرح مضامین ادبیات پایداری تلقی می‌گردد، تلاش نگارنده این است که از طریق این پژوهش، ژرفنای اندیشه و خلاقیت‌های هنری وی، در واگویی بن‌مایه‌های ادبیات پایداری بررسی گردد.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- مضامین عمده ادبیات پایداری کدامند؟
- ۲- ادبیات پایداری در اشعار قیصر امین‌پور چه جایگاهی دارد و از کدام مؤلفه‌های ادبیات پایداری بهره‌ای فزونتر برده است؟
- ۳- نگاه قیصر امین‌پور به ادبیات پایداری چگونه است و او از چه منظری به جنگ و دفاع مقدس می‌نگریست؟

پیشینه پژوهش

در باره مضامین ادبیات پایداری در اشعار قیصر امین‌پور چندین مقاله تا کنون به رشته تحریر درآمده است. به عنوان نمونه "بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری، با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی" از دکتر احمد امیری خراسانی. "بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار محمود درویش و قیصر امین‌پور" از ناصر ناصری و فریبا ساعی‌پور خدادادی. "آزادی در سروده‌های قیصر امین‌پور" از زین‌العابدین درگاهی. "عشق به انسان، وطن و مقاومت در شعر قیصر امین‌پور" از مهدی شریفیان و سهیلا صادقی. از میان این مقالات برخی حاوی مطالب مرتبط با این پژوهش هستند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

پژوهش حاضر گامی است برای پرداختن به شیوه‌های روایت ادب پایداری در اشعار قیصر امین‌پور؛ تا با نشان‌دادن رویکردها و موضع‌گیری‌های وی، جایگاه بینش و جهان‌بینی و اندیشه مسلط او، در به کارگیری مؤلفه‌های ادب پایداری تبیین شود و ظرافت‌کاری‌ها و شگردهای بیانی این شاعر سترگ، واکاوی گردد.

روش تحقیق

روش تحقیق کتابخانه‌ای، توصیفی - تحلیلی می‌باشد که در آن داده‌ها جمع‌آوری شده و با تجزیه و تحلیل آنها به شکل توصیفی، به پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود.

مباحث نظری

ادبیات پایداری

ادبیات پایداری «نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه، در برابر آنچه که حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۸). «ادبیات پایداری عمدتاً به آثاری گفته می‌شود که در همین سده نوشته و آفریده شده‌اند و روح ستیز با جریان‌های ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آنها را نشان می‌دهند و متضمن رهایی، رشد و بالندگی جامعه‌های انسانی هستند» (آل بویه لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲).

هرچند ادبیات پایداری سابقه‌ای طولانی دارد و به مقاومت‌های مردمی، مذهبی و ملی در برابر تجاوز بیگانگان و حکومت‌های مستبد برمی‌گردد، اما «ادبیات پایداری به مفهوم واقعی و نوین آن در کشور، از عصر مشروطه و جنگ جهانی اول، متأثر از گرایش‌های ملی و میهنی به وجود آمد. در شعر این دوران، موضوع پایداری در برابر ظلم و بیداد، ناآگاهی و استبداد، آلودگی صاحب‌منصبان و طمع همسایگان بسیار دیده می‌شود» (آرین پور، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۲۷).

«ادبیات مقاومت به حکم سرشت روحی آدمی و محدودیت‌های جهان هستی و امکانات آن، که پیوسته بسترهایی برای تراحم خواسته‌ها و برخورد روحی و فیزیکی انسان‌ها با یکدیگر فراهم می‌کند، ادبیاتی بسیار دامنه است» (کوپا، ۱۳۹۰: ۴۰۸) شاعرانی که در حوزه ادبیات پایداری اثرگذارند، با تکیه بر احساسات قومی و دینی، مردم را به ایستادگی در برابر ظالمان و دشمنان بیدادگر فرا می‌خوانند و با لحنی ستیزنده، آنها را به همبستگی ملی، بیداری و قیام در برابر ظلم‌پیشگان دعوت می‌کنند.

قیصر امین‌پور نیز شاعری است که آرمان‌های انقلاب را دقیقاً در اشعارش ترسیم کرد و اشعار داغ و آتشین او در آغاز جنگ، شور و هیجانی خاص به جنگاوران جبهه‌های حق علیه باطل می‌بخشید. اشعار وی ترسیمی زنده و ماندگار از انقلاب، دین و جنگ است و این‌گونه اشعار، نشأت گرفته از روحیه انقلابی و مذهبی وی است. یکی دیگر از جنبه‌های مهم کار وی، این است که اشعارش به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر شاعران معاصرش تأثیرگذار بوده و به مدد

اشعار ملی و وطنی، توانست بخشی از رسالت خود را مبنی بر نمایش مؤلفه‌های ادبیات پایداری، به خوبی به جای آورد و با ابیاتی متفکرانه و بیدارگر، مسائل زمانه و رخدادهای سیاسی و اجتماعی روزگارش را رقم بزند.

تفاوت ادبیات پایداری با ادبیات جنگ

هرچند بین ادبیات پایداری و ادبیات جنگ شباهت‌های بسیاری هست، اما دامنه تعاریف و دسته‌بندی‌های ادب پایداری، بسیار وسیع‌تر از ادبیات جنگ است. ادبیات جنگ، بخشی از ادب پایداری است و در برهه‌ای از زمان که سرزمینی مورد تهاجم بیگانگان قرار می‌گیرد، نمود می‌یابد. در واقع هرگاه دشمنی خارجی، متوجه ملتی شود، شاعران با سرایش اشعار حماسی و جنگی، موجب یگانگی آن ملت شده و همچون محرکی، آنان را به پاسداشت و حفظ حریم مرزها، عقاید، هویت و استقلال میهنشان وا می‌دارند. به عبارت دیگر «مجموعه سرودهایی را که در قالب‌های گوناگون اعم از سنتی و نو، نیمایی و سپید شکل گرفته‌اند و درون‌مایه اصلی آنها تشویق و تکریم دوست و تحقیر و تهدید دشمن و تقویت روحیه مذهبی و ملی برای حفظ وطن و انقلاب است، شعر جنگ می‌نامیم. شعر جنگ به لحاظ زمانی، حد فاصل بین شروع تجاوز دشمن تا پذیرش قطعنامه (۵۹۸) را در بر می‌گیرد.» (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۲).

البته بعدها از واژه ادبیات دفاع مقدس، به جای ادبیات جنگ در ایران استفاده شد؛ زیرا واژه جنگ، تمام حقیقت دفاع مقدس را منتقل نمی‌کند. شاعر دفاع مقدس رویکردی تعهدی دارد، تعهدی که شرایط عصر و ضرورت ارزش‌های دفاع مقدس، بر دوش وی نهاده بود. «حاصل چنین تلاش صادقانه‌ای، اشعاری بود، زیبا و دلنشین و پرشور و مؤثر، که امروزه به شعر دفاع مقدس معروف است. شعری که ریشه در ایمان و اعتقادات ژرف این شاعران متعهد داشته و برخاسته از فرهنگ غنی ایران - اسلامی است و گنجینه‌ای است پر بار و ارزشمند» (ترابی، ۱۳۸۱: ۱۱). جنگ تحمیلی، تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران را متحول ساخت و بنیان‌های معرفتی و هویتی ایرانی - اسلامی را محکم گردانید. به گونه‌ای که آثار ادبیات دفاع مقدس، دارای موتیف‌های دین‌مداری و معنویت‌گرایی هستند و شاعران این سبک، تعهد تبلیغ و ترویج این مضامین را تقبل می‌کنند، تا هدف اول شاعر که همانا پرورش روحیه مقاومت و شجاعت در بین مردم است، برآورده شود.

«حالت شاعر در سرودن این‌گونه اشعار، حالت رزمنده‌ای است که تنها برای لحظه‌ای کوتاه سر از سنگر به در می‌آورد و تیرهایی را به سمت دشمن شلیک می‌کند و سپس به سرعت، به سر

جای خویش بر می‌گردد، یا چون جنگنده‌ای که می‌خواهد در زیر آتش‌باری مداوم دشمن، برای خویش سنگری تهیه کند، تا برای لحظه‌ای هم که شده در آن پناه گیرد؛ سنگری که می‌داند، هر آن ممکن است آن را ترک گوید و در جایی دیگر سنگری بسازد، طبیعی است که او چندان به شکل و شمایل و نوع مهندسی و معماری سنگر خویش نیندیشد. از این رو، اگر شاعر این جریان، در اوج شور و حرارت آن سال‌های بحرانی، چندان به شکل شعر خویش توجه نداشته باشد، چندان دور از انتظار نیست. او می‌بایست حرف‌هایش را سریع، بریده‌بریده، بی‌شکل و با حالتی خشن و پرخاش‌گونه بر زبان آورد» (پورچافی، ۱۳۸۴: ۳۴۷).

نکته درخور توجه آنکه به موازات واژگان و عبارات نمادین و با ابهت؛ اما در عین حال ساده و آسان‌یاب و رسا که در شعر دفاع مقدس تکرار می‌شود، مسائلی نظیر اعتقادات و اندیشه رزمندگان و شهدا نیز پیایی تکرار می‌گردد. واژگانی که گزارش مستند حقایق جنگند و وصف خصال نیک و پسندیده جنگاوران ایرانی است که در برابر بزرگترین تجسم اهریمنی زمان؛ یعنی دشمن بعثی، قد علم کرده‌اند.

مؤلفه‌های ادبیات پایداری

تحولات سیاسی، اجتماعی ناشی از جنگ تحمیلی، دگرگونی‌های بنیادینی در مبانی فکری و ایدئولوژی ادبیات پدید آورد و شاعران معاصر که خود را در سرنوشت مردم و اجتماع مسئول می‌دانند، به سرایش گونه‌ای خاص از شعر، روی آوردند.

بر این اساس پژوهشگرانی که در حوزه ادبیات پایداری آثاری را به وجود آورده‌اند، مؤلفه‌هایی را به عنوان مقوله‌های ادب پایداری نام برده‌اند از جمله: وطن، مبارزه با ظلم و فساد، صلح‌جویی، دعوت به مبارزه، ترویج روحیه شهادت‌طلبی و...

به طور کلی در شعر فارسی، دعوت به پایداری را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: «۱- پایداری در برابر دشمن خارجی ۲- پایداری در برابر دشمن داخلی و نابرابری‌های جامعه ۳- پایداری در برابر نفس» (صهبا، ۱۳۸۴: ۳۱۳). قیصر امین‌پور که شاعر پیشگام و تأثیرگذار ادبیات پایداری می‌باشد، اشعار وی، سهمی بزرگ در شناخت فرهنگ پایداری دارد. در ادامه به کشف و بررسی این مؤلفه‌ها در اشعار وی می‌پردازیم.

جنگ

وقوع جنگ تحمیلی، تحولات اساسی را در خط‌مشی فکری شاعر امروزی، موجب شد و دست‌مایه‌ای برای سرودن اشعار فراوانی گشت. «شعر این عصر، شعر خشم و خروش و مقاومت است. آمیخته‌ای از عشق و عرفان و حماسه است» (اکبری: ۱۳۷۱: ۱۹). امین‌پور نیز که در اوایل انقلاب، به سرایش اشعاری برای پاسداری ارزش‌های انقلاب روی آورده بود، با شروع جنگ تحمیلی، با تیغ قلم، به ترغیب رزمندگان به نبرد و ایجاد انگیزه برای پایداری در برابر دشمن، می‌پرداخت. جنگ در اشعار وی موتیفی پر بسامد است و این حماسه بی‌انتهای توصیفاتی در شعر او، به دست می‌دهد؛ بس عمیق و مهیج و پرشور.

آغاز شد حماسه بی‌انتهای ما پیچید در زمانه، طنین صدای ما
آنک، نگاه کن که ز خون نقش بسته است بر اوج قلّه‌های خطر، جای پای ما
(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۰۳)

وی با دقت و هنری کم‌نظیر، مصائب جامعه جنگ‌زده را در اشعار خود فریاد می‌زند:

لحظه ویران شدن خانه‌هاست جشن چراغانی ویرانه‌هاست
مزرعه شمع که آتش گرفت خرمن خاکستر پروانه‌هاست
(همان: ۳۴۰)

اشعار وی در توصیف جنگ، لحنی حماسی دارند و او همواره درصدد اثبات این مسئله است که حکومت بعثی عراق، برافروزنده آتش جنگ بوده و مردم ایران گزینه‌ای جز دفاع نداشتند. اما با این حال، ملت ایران، شجاعانه در برابر دشمن متجاوز، پایداری کردند و قیصر نیز دلاوری آنان را این گونه به نمایش می‌گذارد:

ما دشمن آه و آوخ و افسوسیم با شوق، لبان مرگ را می‌بوسیم
دریا دریا، اگر ز ما بر گیرند کم می‌نشویم، از آنکه اقیانوسیم
(همان: ۴۴۷)

وی در توصیف وقایع جنگ، تنها رویدادها را گزارش نمی‌کرد، بلکه بسیاری از مضامین دینی، عرفانی و تاریخی را به زبانی نمادین مطرح می‌ساخت. «اندیشه‌های دینی و ملی، با طرز روایت دین اسلام، سبب شد تا ایرانیان در چشم‌انداز عشق به میهن، آرمان‌های دینی را مدنظر قرار دهند» (کاکایی، ۱۳۸۵: ۶۸).

او که پیشوای شعر انقلابی است، مشهورترین شعر را درباره جنگ هشت‌ساله ایران و رژیم بعثی عراق سرود. «شعری برای جنگ» که در آن، به توصیف دردها و تسلای همشهریان

دزفولی خود می‌پردازد؛ مردمی که در برابر رژیم بعثی، شجاعانه استقامت می‌کنند و تا پای جان می‌جنگند. ترسیمی که وی از مردم شهرش، در این شعر دارد، بسیار جانسوز و حزن‌انگیز است و با غم و عاطفه گره خورده است.

«می‌خواستم / شعری برای جنگ بگویم / شعری برای شهر خودم - دزفول - / دیدم که لفظ ناخوش موشک را / باید به کار برد / اما موشک / زیبایی کلام مرا می‌کاست / گفتم که بیت ناقص شعرم / از خانه‌های شهر که بهتر نیست / بگذار شعر من هم / چون خانه‌های خاکی مردم / خرد و خراب باشد و خون‌آلود» (امین‌پور، ۱۳۸۷: ۳۸۲)

او با زیباترین و مؤثرترین واژگان، توجه خواننده را به آلام و رنج‌های مردم دزفول معطوف می‌دارد:

«هر شب تمام ما / با چشم‌های زلزده می‌بینیم / عفريت مرگ را / کابوس آشنای شب کودکان شهر / هر شب لباس واقعه می‌پوشد / اینجا / هر شام خامشانه به خود گفته‌ایم: / شاید / این شام، شام آخر ما باشد / اینجا / هر شام خامشانه به خود گفته‌ایم: / امشب / در خانه‌های خاکی خواب‌آلود / جیغ کدام مادر بیدار است / که در گلو نیامده می‌خشکد؟» (همان: ۳۸۵)

مبارزه با دشمن بعثی

«در زمان جنگ، شعرها بیشتر در دعوت به میدان جنگ و تشویق همگان به ادامه دفاع تا شکست کامل خصم بعثی است» (رستگار، ۱۳۶۹: ۷). قیصر یاد و خاطره رزمندگان را در اشعارش زنده نگه می‌دارد، تا نسل‌های بعد، از جنایات متجاوزان بعثی باخبر شوند. زیرا «تاریخ، زمانی ماندگار می‌شود که ادبیات، به کمک آن بیاید. همین‌که واقعه تاریخی در دست هنرمند، قرار می‌گیرد و هنرمند از روح ادبی خویش در آن، می‌دمد، آن واقعه، جاودانه باقی می‌ماند و از فنا رها می‌شود» (امیری خراسانی، ۱۳۸۴: ۱۰). به علاوه، وی به عنوان شاعری متعهد، با تکیه بر دین و ارزش‌های انقلابی، خواهان برانگیختن شور مقاومت و پایداری در میان ملت خویش است:

ای خصم مرا سر، سرِ جنگ است هنوز / در چله خشم من خدنگ است هنوز
در ترکش اگر نمانده باشد تیری / زنه‌ار، مرا ناخن و چنگ است هنوز
(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۵۹)

وی با سرافرازی به تحقیر و تهدید دشمن می‌پردازد و او را تهدید به نابودی می‌کند:
از گوشه چشم یک نظر اندازیم / در خرمن دشمنان شرر اندازیم

یا خصم، خود از دست سپر اندازد
یا ما ز تنش دست و سپر اندازیم
(همان: ۶۲)

ملت آزاده و سربلند ایران، با ایمان راسخ خویش در برابر سخت‌ترین حملات و ددمنشانه‌ترین کارهای دشمن غدار مقاومت می‌کردند و قیصر این‌گونه به ترسیم قدرت‌نمایی‌ها و افتخارآفرینی آنان می‌پردازد:

گرده باده، زین من، کینه خصم دین من
سینه آهنین من، فکر سپر
نمی‌کند (همان: ۳۹۹)

شاعر با شوری بی‌کرانه، از دلآوری‌ها و حماسه‌سازی‌های رزمندگان اسلام، در برابر دشمن یاد می‌کند و گاه از زبانی نمادین بهره می‌گیرد:

تیغ مردان خورشید در مش
کورسوی شب تیره را کشت
یک زبان زندگی، یک زبان مرگ
ذوالفقاری سخنگوی در مش
کوله بر پشت و سجاده در پیش
جاده در پیش رو، جاده در پشت
مهر پایان مرداب در دست
حکم آغاز طوفان در انگشت
(همان: ۳۵۴)

شهید

در فرهنگ اسلامی، شهید جایگاهی بسیار والا و باعظمت دارد و اشعار بسیاری درباره رشادت و فداکاری آنان، در ادبیات دفاع مقدس دیده می‌شود. «شهادت در سروده‌های جنگ، هم شکوهمند و حماسی و عارفانه و جامعه‌ساز است و هم حسرت‌آفرین» (سنگری، ۱۳۷۸: ۱۵۴). قیصر هم در اشعار بسیاری، این دلیرمردانی را که تمام هستی خود را در راه آرمانشان فدا کرده‌اند، می‌ستاید:

خود را چو ز نسل نور می‌نامیدند
رفتند و به کوی دوست آرامیدند
سیراب شدند، زانکه در اوج عطش
آن حادثه را به شوق آشامیدند
(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۳۷)

شعر دفاع مقدس سرشار از معنویت و پاکی است و در آن اندیشه و اعتقادات رزمندگان و شهدا منعکس می‌شود. «به تعبیری اندیشه‌ها و احساسات دینی، جای اندیشه‌های مادی‌انگارانه را می‌گیرد و آنچه باعث و انگیزه حرکت و عمل قهرمان می‌شود، اعتقاد به باورهای دینی و

مذهبی است. همچنین در ادبیات دفاع مقدّس، شاهد تلفیق حماسه دینی و تاریخی با حماسه‌های جنگ هشت‌ساله هستیم» (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۸۴)

در شعر امین‌پور نیز شهادت یکی از بنیادی‌ترین عناصر است و نگاه او به شهید، با تقدّس فراوان همراه است:

شهیدان را به نوری ناب شویم / درون چشمه مهتاب شویم
شهیدان همچو آب چشمه پاکند / شگفتا آب را با آب شویم؟

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۵۶)

رزمندگان دوران دفاع مقدّس که از شجاع‌ترین انسان‌های عصر خود حساب می‌آمدند، برای مرگ و شهادت از یکدیگر سبقت می‌جستند و با عشق و شوق تمام، به کارزار رفته تا با تقدیم جانشان مسیر پیشروی رزمندگان را باز کنند.

«اینان / هرچند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند، فاتح و نستوه / در گوششان، کلام امام است / - فتوای استقامت و ایثار - / بر دوششان درفش قیام است» (همان: ۳۸۸).

قیصر مانند دیگر «شاعران دفاع مقدّس، که رویارویی هابیل و قابیل و کینه‌کشی فرزندان هابیل را بر طبق پاره‌ای از نصوص اعتقادی خود، حتمی می‌دانند» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹۷) شهادت را حیاتی نوین می‌داند و شهید را سرو سبز راست‌قامت معرفی می‌کند:

«این سبز سرخ کیست؟! / این سبز سرخ چیست که می‌کارید؟! / او را چنان که خواست / با آن لباس سبز بکارید / تا چون همیشه سبز بماند / تا چون همیشه سبز بخواند / او را وقتی که کاشتند / هم سبز بود، هم سرخ / آنگاه آن یار بی‌قرار / آرام در حضور خدا آسود / هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد / اما / این ابتدای سبزی او بود» (امین‌پور، ۱۳۷۸: ۳۸۱-۳۸۰)

انتقاد از خود و ستایش شهیدان در شعر قیصر بسیار دیده می‌شود و او با حسرت از کوچ شهیدان و باقی‌ماندن خود در این جهان، سخن گفته است: «اگر شاعر در برابر این رخداد بزرگ و فراگیر، از خود خلّاقیت نشان نمی‌داد، در واقع پیش از ملت، به هستی خود به عنوان هنرمند خیانت کرده بود» (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۸۴۶) او بارها و بارها صبر و استقامت و پایداری رزمندگان را ستوده و آن را مایه پیروزی‌های بزرگ قلمداد کرده، اما بخت را با خود برای شهادت، یار نمی‌بیند:

بر این زین خالی نه گردی، نه مردی / دلا زین غم از خون نگردي، نه مردی!
بر این زین خالی، یلی چون تو باید / من آن دل ندارم، چه دردی! چه دردی!
نه من پرکنم جای همچون تویی را / کجا پر شود جای گردی، به گردی؟

تو بردی زمن گوی در عشق بازی
ولی باختم من، چه نردی! چه نردی!
گذشتن ز سر، سرگذشتی است خونین
دلا کی تو این ره، به زردی نوردی؟
چه کردی، چه کردی، تو ای عشق با او!
تو ای عشق با او چه کردی! چه کردی!

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۳۹۸)

در شعر قیصر، از واژه لاله، برای توصیف خون شهیدانی که در راه دفاع از آرمان‌های والای انقلاب، جاری شده، استفاده می‌گردد:

بیا ای دل از اینجا پر بگیریم
ره کاشانه دیگر بگیریم
بیا گم کرده دیرین خود را
سراغ از لاله پرپر بگیریم

(همان: ۴۵۸)

در جایی دیگر می‌گوید:

«در شهر ما / دیوارها دوباره پر از عکس لاله‌هاست» (همان: ۳۸۳)

توجه فراوان به مقوله استقامت در برابر دشمن تا سرحدّ شهادت، عنصر غالب اشعار قیصر است و توجه و تعمق در همین مقوله‌ها، سبب گشته که وی شاعری متعهد و مسئول در برابر اجتماع خود شمرده شود. «شاعر اصیل در خارج از چهارچوب زمان و مکان خود، نمی‌تواند وجود داشته باشد و اگر به زمان و مکان خود وفادار بماند و نماینده صمیمی نسل خود و انسان‌هایی که در کنارش زندگی می‌کنند، باشد، بدون تردید به زمان‌ها و مکان‌های دیگر نیز متعلق خواهد بود و از همین طریق است که شاعر اصیل فرصت جاودانگی پیدا می‌کند» (براهنی، ۱۳۷۱: ۸۶۶).

آزادی خواهی

آزادی یکی از مهم‌ترین بن‌مایه‌ها و مضامین ادبیات پایداری به شمار می‌رود. این واژه مفاهیم بسیاری دارد: «در فرهنگ سنتی گذشته دو معنی عمده داشته، در مفهوم فلسفی و کلامی آن مرادف بود با حریت یا اختیار که مفهوم نقیض جبر را به یاد می‌آورد و در معنای فردی و عرفی آن در برابر بند و زندان قرار می‌گرفت» (یاحقی، ۱۳۷۴: ۱۶).

قیصر در اشعار خود به تداوم مبارزه تا دمیدن خورشید آزادی تأکید دارد. شاعر آزادی را پاس داشته و آن را حق همه می‌داند:

«روزی که سبز، زرد نباشد / گلها اجازه داشته باشند / هر جا که دوست داشته باشند / بشکفند
دلها اجازه داشته باشند / هر جا که نیاز داشته باشند / بشکنند» (امین‌پور، ۱۳۷۸: ۲۳۹)

در قطعه «کشف قفس» از مجموعه «به قول پرستو» شاعر از ساختن قفس و شکستن پر پرواز گلایه دارد و می‌گوید: مردم به جای آنکه از آزادی که حق خدادادی آنهاست بهره ببرند، قفس و اسارت را انتخاب کردند و آواز بلبل و قناری را در گلویشان خفه کردند:

چرا مردم قفس را آفریدند؟
چرا پروانه‌ها را پر شکستند؟
چرا پروانه را از شاخه چیدند؟
چرا آوازها را سر بریدند؟

(همان: ۵۰۳)

در قطعه «ترانه‌ای برای آشتی» شاعر آرزومند آزادی از نیرنگ‌ها و دردهای جهان مادی است و از کسانی که آزادی دیگران را سلب کرده‌اند، شکوه می‌کند و می‌گوید:

چه می‌شد اگر مثل پروانه‌ها
به هر جا دلت خواست سر می‌زدی
کمی دست و پای دلت باز بود
از این خاک امکان پرواز بود
اگر باخبر باشی از آسمان
خبرهای روشن، خبرهای خوب
خبرهای آفتابی و مهتابی‌اند
همه آفتابی و مهتابی‌اند
بگو جا برای تو تنگ است باز؟
تمام زمین جای جولان تست
نیازی به شمشیر و جنگ است باز؟
نه تنها زمین، آسمان مال توست

(همان: ۵۲۹).

صلح‌دوستی

هرچند قیصر در اشعار خویش به توصیف صحنه‌های جنگ و تشویق رزمندگان به دفاع پرداخته، اما شاعری صلح‌طلب است. لحن وی در برخی از اشعارش به گونه‌ای است که در کنار پذیرفتن این حقیقت که جنگ از جامعه انسانی، جدایی‌ناپذیر است، اما به جانبداری از صلح و آشتی پرداخته و جنگ را تلخ و ناگوار می‌داند:

«شهیدی که بر خاک می‌خفت / سر انگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت / دو سه حرف بر سنگ / به امید پیروزی واقعی / نه در جنگ، که بر جنگ» (همان: ۱۷).

در شعر «روز ناگزیر» از دفتر «آینه‌های ناگهان»، شاعر آرزومند آمدن روزی است که همه با صمیمیت در جستجوی دوستی هستند و همه واقعیات جهان امروز، خیالی باشد و عاقبت و پایان خوبی داشته باشند:

«آن روز / که بی‌چشمداشت بودن لبخند / قانون مهربانی هست / روزی که روی قیمت احساس / مثل لباس / صحبت نمی‌کنند / و خواب در دهان مسلسل‌ها / خمیازه می‌کشد / و کفش‌های کهنه سربازی / در کنج موزه‌های قدیمی / با تار عنکبوت گره می‌خورند» (همان: ۲۳۸).

القای امید به آینده و پیروزی موعود

از دیگر جلوه‌های ادب پایداری در شعر امین‌پور، القای امید به آینده در سایه پیروزی موعود است. اعتقاد به ظهور مصلح آخرالزمان، ریشه و قدمت بسیاری کهنی دارد. «این عقیده به مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی، با تفاوت‌هایی به چنین امری معتقدند. پیروان همه ادیان، عقیده دارند که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان که فساد و بیدادگری و بی‌دینی، همه‌جا را فرا می‌گیرد، یک نجات‌دهنده بزرگ جهانی پیدا می‌شود که به واسطه نیروی فوق‌العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادیت‌گری غلبه می‌دهد. این نوید خوش را نه تنها در کتاب‌هایی که با عنوان کتاب آسمانی باقی مانده‌اند، مانند کتاب زند و پازند و جاماسبنامه که از کتاب‌های مقدس زرتشتیان است، کتاب تورات و ملحقات آن که کتاب مقدس یهود شمرده می‌شود و انجیل عیسویان می‌توان پیدا کرد، بلکه در کتاب‌های مقدس براهمه و بوداییان نیز، کم و بیش، دیده می‌شود. همه ارباب ملل و ادیان، این اعتقاد را دارند و در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی هستند. هر ملّتی، او را با لقب مخصوصی می‌شناسند. زردشتیان او را به نام سوشیانس (نجات‌دهنده جهان)، جهودان به نام سرور میکائیلی، عیسویان به نام مسیح موعود و مسلمانان به نام مهدی منتظر می‌شناسند. اما هر ملّتی، آن نجات‌دهنده غیبی را از خودش می‌داند. زردشتیان، او را ایرانی و از پیروان زردشت می‌دانند؛ جهودان، او را از بنی‌اسرائیل و پیروان موسی می‌شمارند؛ عیسویان، او را هم‌کیش خودشان و مسلمانان از دودمان بنی‌هاشم و فرزند پیغمبرش می‌دانند. در اسلام به طور کامل معرفی شده، ولی در سایر ادیان چنین نیست» (امینی، ۱۳۸۵: ۶۹).

امید به ظهور موعود در اشعار قیصر کاملاً ملموس و عینی است. او از موعود به آفتاب پنهانی یاد می‌کند و آمدن او را انتظار می‌کشد. در نظر قیصر «ظهور منجی موعود به عنوان امداد غیبی و تحقق آرمان‌های بشری است» (روشنفکر، ۱۳۹۰: ۶۲).

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
کسی که سبزتر است از هزار بار بهار
ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
کسی، شگفت کسی، آن چنان که می‌دانی
کسی که نقطه آغاز هرچه پرواز است
تویی که در سفر عشق خط پایانی
تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند
بیا که صاف شود این هوای بارانی

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۳۰۴)

در شعر «صبح بی تو»، شاعر از فراق موعود غمگین است و به رغم کسانی که آمدن او را منکرند، از امید و انتظار برای آمدن وی سخن می گوید و نوید این را می دهد که با آمدن او، تمام رنج‌ها و مصائب و مشکلات جهان رفع می شود:

صبح بی تو، رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد
بی تو می گویند تعطیل است کار عشق بازی
صبحی تا تو حتمی مهربانی حالتی از کینه دارد
عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟
جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما
خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد
خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد
عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد
ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید
آنکه در دستش کلید شهر پرآینه دارد
(همان: ۴۰۹)

«شعر نیمایی «روز ناگزیر» را نقطه عزیمت «قیصر» و جداکننده دو دوره شعری او می دانند؛ این شعر مفصل در مجموعه «آینه‌های ناگهان» آمده است. این «روز ناگزیر»، روز آرمانی شاعر است؛ روزی که همه بشریت به آزادی و آسایش خواهند رسید، بدون قید مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و غیرشیعه، انقلابی و غیر انقلابی؛ بدون این که در فلان جنگ، این طرف ایستاده باشد یا آن طرف. انسان به معنای نفس کریم در این «روز ناگزیر» که در همه ادیان وجود دارد، به رهایی می رسد. او منتظر منجی است که در آن روز، کرامت را به انسان برمی گرداند؛ در چنان جهانی، نه ظلمی وجود دارد، نه جنگی واجب می آید.» (محقق، ۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۱۹).

«روزی که دست خواهش، کوتاه / روزی که التماس، گناه است / و فطرت خدا / در زیر پای رهگذران پیاده‌رو / بر روی روزنامه نخواست / ... و آینه حق نداشته باشد / با چشم‌ها دروغ بگوید / دیوار حق نداشته باشد / بی پنجره بروید / ... ای روزهای خوب که در راهید! / ای جاده‌های گمشده در مه! / از پشت لحظه‌ها به درآیید / ای روز آفتابی! / ای مثل چشم‌های خدا، آبی / ای روز آمدن! / ای مثل روز، آمدنت روشن! / این روزها که می گذرد، هر روز / در انتظار آمدنت هستم! / اما / با من بگو که آیا، من نیز / در روزگار آمدنت هستم؟» (امین پور، ۱۳۸۷: ۲۴۰-۲۳۷).

نتیجه‌گیری

قیصر امین‌پور به عنوان یکی از شاعران مشهور و خوشنام معاصر، بخشی از شهرت و توفیق خود را مدیون پرداختن به مضامین ادبیات پایداری است. در اشعار وی، مؤلفه‌های ادب پایداری، نقشی بسزا ایفا می‌کنند و او با استفاده از بن‌مایه‌های پایداری، به بازگویی رشادت‌ها و دلیرمردی رزمندگان اسلام و ملت ایران می‌پردازد. وی که شاعری متعهد و انقلابی است از شعرش برای ترسیم جنایات رژیم بعثی عراق، بیان دردها و مصائب مردم ایران و همدردی با مردم جنگ‌زده دزفول و امید به آزادی و صلح، استفاده می‌کند. شاعر زیباترین و ارزشمندترین سروده‌هایش را به جانفشانی شهیدان اختصاص داده است. مسئله انتظار ظهور منجی، به اقتضای جهان‌بینی شیعی شاعر، ماهیتی معنوی به اشعار وی بخشیده و سبب شده، شعر این شاعر مبارز و معتقد، گستره‌ای وسیع از این اندیشه مقدس گردد و حاکمیت عدالت را نویدبخش باشد.

منابع

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۵)، از صبا تا نیما (۱۵۰ سال ادبیات ایران). ج ۲. تهران: زوآر.
- اکبری، منوچهر (۱۳۷۱)، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- امیری خراسانی، احمد (۱۳۷۸)، نامه پایداری، مجموعه مقاله‌ها. کرمان: بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۷)، مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور، تهران: انتشارات مروارید.
- _____ (۱۳۶۳)، در کوچه آفتاب، ج ۱، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۵)، دادگستر جهان، چاپ سوم، قم: نشر شفق.
- براهنی، رضا (۱۳۷۱)، طلا در مس، تهران: ناشر نویسنده.
- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۸)، سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، ج ۱، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- ترابی، ضیاء‌الدین (۱۳۸۱)، شکوه شقایق، قم: مؤسسه فرهنگی سما.
- حسین پورچافی، علی (۱۳۸۴)، جریان‌های شعری معاصر از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷)، تهران: امیرکبیر.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۰)، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران: حوزه هنری.

- رستگار، مهدی (۱۳۷۳)، نوآمدگان شعر انقلاب اسلامی (نقد و بررسی زبان، قالب و تصویرسازی شعر)، تهران: سمت.
- سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۰)، تفنگ و ترازو (نقد و تحلیل رمان‌های جنگ)، چاپ اول، تهران: روزگار.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۷۸)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدّس، تحلیل سبک‌شناسانه، بررسی قالب‌ها و گزینش نمونه‌ها، ج سوم، تهران: پالیزان.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران: پالیزان.
- محقق، جواد (۱۳۷۸)، شکفتن در آتش، تهران: هنر رسانه‌ای اردیبهشت
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۴)، جویبار لحظه‌ها، چاپ هفتم، تهران: نشر جامی.
- آل بویه لنگرودی، عبدالعلی (۱۳۹۰)، جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی، مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره چهارم، صص ۲۷-۱.
- روشنفکر، کبری و دیگران (۱۳۹۰)، درونمایه‌های مقاومت در شعر «جواد جمیل» با تأکید بر دفتر شعری (اشیاء حذف‌ها الرقابه)، مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره چهارم، صص ۲۷۶-۲۵۷.
- صهبا، فروغ (۱۳۸۴)، شعر پایداری هنر مبارزه با دشمنان سه‌گانه، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی، کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس.
- کوپا، فاطمه (۱۳۹۰)، بن‌مایه‌های نمادین و شگردهای روایی در رمان «دارمیه» از سری داستان‌های دفاع مقدّس، مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره چهارم، صص ۵۰۳-۴۷۹.